

## حیا بیگانه گان

"ع و غ" را از شمار مرد وزن باید کشید  
این حیا بیگانه گان را از وطن باید کشید  
نوکران اجنبی و خصم مُلک خویش را  
هر چه زودتر با سلاح و سنگ زدن باید کشید  
همچو "رخشانه" سنگسار و زبون شان نمود  
تا که اجر ظلم خود را، خویشان باید کشید  
لنگی را از فرق "مفلس"، بی درنگ در گردنش  
حلقه کرده با فشار، روح از بدن باید کشید  
جمله همکاران این دو، بی مروت ناخلف  
را به چوب دار، در چوک و چمن باید کشید  
تا به کی ای مردم مظلوم و پاک کشورم  
زیر یوغ خائنان، جان از بدن باید کشید  
ای خدا روزی رسیان تا حیدری با هم وطن  
چند صباحی خوش و خرم، زیستن باید کشید

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۶، ۱۱، ۲۰۱۵، سدن

استقبال از دوبیتی آقای نذیر ظفر با مطلع:

"ع و غ" را از الفبای وطن باید کشید

یک تذکر برادرانه: هرگاه بخواهید از کسانی که رتبه های علمی از "پوهیالی تا پوهاند" دارند، نام ببرید، بهتر است تا رتبه علی را با اسم شان تذکر داده و کلمه استاد را در پهلوی رتبه علمی نیاورید مثلاً:  
پوهنوال داکتر اسدالله حیدری و نگوئید استاد پوهنوال داکتر اسدالله حیدری، زیرا کلمه پوهنوال میرساند که استاد بوده و یا می باشد، با عرض معذرت.

## آزادی زنان

خواهم از خالق یکتا

که زنانِ وطن ما

مانند هر آزاده زن دنیا، مثل هر انسان  
شکنند بند اسارت  
شوند آزاد ز حقارت  
رسد آن روز بزودی  
که همه شاد و سر حال  
لیک  
آن جمع خبیثان  
پیروان شیطان  
اخلاف یزیدان  
از طالب جاهل و  
از داعش نادان  
از حاکم مفسد  
از قاضی بی علم  
آن مرتشی خونخوار  
آن کله و دستار  
هر دشمن قرآن و مسلمان  
آن نوکر دالرو دینار  
دشمن دیرینه و پر کینهء میهن  
منحل گزار دو  
پا بوس پلیدان  
آن دولت بی همت و  
مزدور اجانب  
آن کله بی مغز  
اما، متفکر!!!  
در سطح جهان  
اعجوبهء مخلوق  
آن حامی اشرار  
آن عامل سنگسار و  
بریدن های سرها  
بی ترس خدا  
آن قاتل فرخنده و رخشانه و  
صدها هزاران

از عسکرو هم مردم بیچارهء بی نان  
مُثله گرزن ها  
و آن زانی طفلان  
آن جمع ستمگر  
آن نوکرو چاکر  
هریک زدگر بدتر و بدتر  
از قهر خداوند جبار  
دردوزخ و نیران  
گرفتار  
گرفتار

انشأالله

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری  
۱۱، ۱۱، ۲۰۱۵، سدنی

## خالقا

استقبال از سرودهء محترم مصلح سلجوقی با مطلع:  
"خدا من از دو میترسم"

من از تو میترسم  
از قیامتت  
از عدالتت  
از کيفرت  
از عذابت  
از جهنمت  
من از تو میترم  
ولی  
این خائنان مُلک  
این جانیان کشور  
این وطن فروشان  
این ناخلفان و نامردان  
این غلامان بیگانگان

این دشمنان اسلام و مسلمان  
از تو نمی ترسند  
به جهنمت  
به کیفر آخرتت  
به عدالتت  
و به محکمهء عدالت  
عقیده  
و از قیامتت  
هراسی  
ندارند  
ولی  
من از تو میترسم  
به آنچه این بی دینان  
این درندگان دوپا  
این گرگان آدم چهره  
دور از آدمگری و انسانیت  
عقیده  
ندارند  
ولی  
من معتقدم  
از تو میترسم  
ملا نماهای دیوبندی  
مزدوران پاکستان  
وسعودی  
بنده های پوند و دالر و کلدار  
چاکران خارجی  
فال بینان و کجکول داران  
دیروز  
تزویرکنندگان و حقه بازان  
امروز  
با استخاره ها  
گفتار نا حق و دروغین

سالوسانه و بیهوده  
باهدایات شیطان  
باهمکاری دزدان  
با برادرگفتن  
جلادان  
از تو نمی ترسند  
من از تو میترسم  
الهی!  
"ع و غ" تا کی؟  
بوند حاکم  
در این کشور  
مُلک افغان  
میهن آزادگان  
نمودند چور  
از میهن  
آنچه را خواستند  
به غارت بردند  
آنچه را توانستند  
هنوز هم چشم های  
حریص شان  
دور از قناعت  
منتظر خاک  
گور  
از تو نمی ترسند  
من از تو میترسم  
بکشور نیست  
یک روزی  
که باشد  
خلق مظلومش  
فارغ  
از هراس و ترس  
از انفجار و انتحار

از طالب جانی  
از داعش خونخوار  
و از حاکمان غدار  
خدایا!  
من از تو میترسم  
و ظنم را  
مرا  
با تمام هموطنان افتاده در بندم  
از شر این  
دجالان  
بی وجدان ها  
نجات داده  
در پناه خود  
نگهدار  
من از تو میترسم  
و چشم امیدم بسوی توست  
الهی! صبر توتا کی؟  
ظلم ظالمان تا چند؟  
ببخش "حیدری" را  
این عبد نا توان و  
عاصی را  
از کرمت یا رب!  
مکن کیفر  
ز گفتارش  
نجاتش ده  
تو از نارش  
نصیبش کن  
بهشت عنبرین را  
با  
رسول برحق و  
آلش  
من از تو میترسم

بسیار میترسم  
میترسم  
میترسم

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری  
۱۰، ۱۷، ۲۰۱۵، سدنی

دجال – کذاب، بسیار دروغگو، فریب دهنده  
حقّه باز – شعبده باز، حیلہ گر، فریب دهنده  
سالوس – فریب دهنده، مکار هیله گر، خدعه و فریب  
حرص – آزمند شدن، ضد قناعت  
فرهنگ فارسی عمید